

بازکاوی تطبیقی جایگاه زن در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری

محمد مهدی کریمی نیا^۱، اکرم جعفری^۲، نسترن بنواری^۳، مجتبی انصاری مقدم^۴

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد) حوزه علمیه خواران، شهر دزفول استان خوزستان، پژوهشگر و استاد حوزه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)

^۳ طلبه سطح دو (کارشناسی)، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها)، پژوهشگر

^۴ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

با پیشرفت تکنولوژی و زندگی ماشینی، غرب گرایان با هجمه های وسیع تبلیغاتی، شبهات فراوانی را در قرن حاضر در ذهن افراد ایجاد نموده است و به صورت پنهانی و ناآگاه انسان را از دین و معارف والای آن دور می کند و منابعی غیر از اسلام را برای پاسخ به دغدغه ها و شکایات درونی افراد القاء می نمایند. یکی از شبهه هایی که در قرن حاضر ذهن افراد را به خویش مشغول نموده این است که اسلام هیچ گونه حق و ارزشی برای زن قائل نشده است و در حق او ظلم و ستم روا داشته است. همین دیدگاه باعث تشکیل اندیشه ای باطل و واهی به نام فمینیسم شده است که با معارف دین اسلام در قبال زن و حقوق آن ناسازگاری دارد و دم از حقوق مساوی برای زنان در جامعه می زند. عنوان این مقاله «جایگاه زن در اندیشه ی امام خمینی و مقام معظم رهبری» است. روش تحقیق آن توصیفی و مطالب آن به صورت کتابخانه ای و استفاده از اینترنت جمع آوری شده است. در این مقاله به جایگاه زن در اندیشه ی عرب جاهلی، جایگاه زن در اندیشه ی اسلام و سیره ی معصومین (علیهم السلام) و جایگاه زن در اندیشه ی رهبران انقلاب اسلامی در ابعاد الگویی و رفتاری، کرامت حقیقی زن، عامل اصلی سعادت و آرامش، فعالیت در زمینه های علمی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و مقام والای مادری پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: زن، امام خمینی، مقام معظم رهبری، اندیشه ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، با نگاهی همه جانبه به انسان و رعایت مصالح هر فرد، حقوق و تکالیفی برای او در نظر گرفته است. و در این میان فرقی بین مردان و زنان قائل نشده است و به هر دو با دیده ی یکسان می نگرد. جز در یک مورد که خداوند بین آنها تمایز قائل شده و آن هم مسئله ی تقوا و خویشتن داری است. با تأمل در زندگی معصومین (علیهم السلام) نیز می توان اهمیت و جایگاه واقعی که اسلام برای زنان قائل شده است را به روشنی دریافت. با این حال، اندیشه و نگرش برخی از افراد درباره ی نقش و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع با دیدگاه اسلام سازگاری نداشت. چرا که در این اندیشه ها، زنان موجوداتی زبون و بی ارزش و کارگزار تلقی می شدند و با ظلم ها و ستم هایی که در حق زنان اعمال می شد؛ ایشان از از مقام و جایگاه اصلی خویشتن دور ساختند.

در این میان با توجه به اهمیت و جایگاه والای زن که در زندگی بشر دارد، رهبران دینی انقلاب اسلامی نیز به تأسی از قرآن و عترت به بیان این اندیشه پرداخته و شخصیت والای زنان را بازگو نموده اند. اندیشمندان بسیاری نیز به تالیف کتبی در این زمینه پرداختند: از جمله حقوق زن در اسلام شهید مطهری، زن در آینه جلال و جمال آیت الله جوادی آملی، حقوق زن از دیدگاه قرآن کریم محمدبیستونی، ناشنیده هایی درباره ی قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری از علیرضا پناهیان و سایر آثار و تألیفاتی که در این باره نگاشته شده اند.

با توجه به اینکه در عصر حاضر، غرب گراها به بهانه ی حقوق بشر، زنان را موجوداتی ضعیف می دانند که اسلام در حق آنها ستم روا داشته و آنها را حقوق اولیه خویش نیز محروم ساخته است، اندیشه ای به نام فمینیسم در دفاع از حقوق زنان شکل گرفته است و خواهان تشابه حقوق زنان با مردان شده است. به همین خاطر محقق به بیان دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی درباره ی جایگاه زنان پرداخته است تا بتواند دیدگاه متعادل و صحیح درباره ی زنان را بیان نموده و بر عقاید پوچ و واهی در این زمینه مهر بطلانی بزند.

حال سوال اساسی که در اینجا مطرح می شود این است که جایگاه زن در اندیشه ی امام خمینی و مقام معظم رهبری چگونه است؟

تعاریف لغوی و اصطلاحی

زن

خداوند متعال در قرآن کریم، از دو واژه ی زوج و امرأه نام برده و در بعضی از آیات این دو واژه به معنای همسر مرد آمده است. با این تفاوت که گاهی با واژه ی امرأه و گاهی با واژه ی زوج بیان شده است.

زوج در لغت به معنای مقارنه و نزدیکی است. و برای مرد و زن به کار می رود، ولی هنگامی که در کنار واژه ی بعل یا یک ضمیر مذکر به کار رود تنها به معنای همسر مرد است: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ»^۱ برای زوج معنای دیگری مانند صنف و جفت نیز بیان شده است.^۳

۱. بقره، ۳۵.

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۵.

جایگاه زن در اندیشه ی جاهلیت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در فرهنگ و جامعه ای به نبوت برگزیده شدند که انحطاط و جاهلیت بیداد می کرد، در چنین جامعه ای، زن از جایگاهی پست و بی ارزش برخوردار بود. جاهلیت، زن را در ردیف سایر انسان ها قلمداد نمی کردند، بلکه او را به عنوان انسان درجه دو محسوب می نمودند. گفتار عمر خلیفه ی دوم در مورد وضعیت زنان در جاهلیت گواه خوبی است. او اعتراف می کند که زنان در جاهلیت هیچ به حساب نمی آمدند: «كُنَّا فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَانْعَدُ النِّسَاءَ شَيْئًا»^۴ عصر جاهلیت زن را مخلوقی می دانستند برزخ بین حیوان و انسان که فائده ی خلقت وی فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود.^۵ بر اساس روایتی، اعراب زنان را همچون کالایی می شمردند که (اگر از خود پسری نداشت) پس از مرگ شوهر، در شمار دیگر اموال و ثروت شوهر، به پسر شوهر از زن های دیگر منتقل می شد.^۶

یکی از رفتارهای زشت جاهلیت درباره ی دختران که به صراحت در قرآن به آن تصریح شده و مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته، مسأله ی زنده به گور کردن دختران به هنگام تولد آنان می باشد. قرآن در این زمینه چنین بیان می نماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ* يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»^۷ و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آوردند چهره اش سیاه می گردد در حالی که خشم او آندوه خود را فرو می خورد* از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از قبیلہ [خود] روی می پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند و چه بد داوری می کنند»

علامه طباطبایی در این باره چنین بیان می نمایند: «اینکه می فرماید خود را از شرمساری از مردم پنهان می کند، برای این است که ولادت دختر را برای پدر ننگ می دانستند، و منشا عمده این طرز تفکر این بود که مردان در چنین مواقعی تصور می کردند که این دختر به زودی بزرگ خواهد شد، و ملعبه و بازیچه جوانان قرار خواهد گرفت، و این خود نوعی غلبه مرد بر زن است، آن هم در یک امر جنسی که به زبان آوردن آن مستهجن و زشت است، در نتیجه، ننگ زبان زد شدنش به ریش پدر و خاندان او می چسبد.

همین طرز تفکر، عرب جاهلیت را واداشت تا دختران بی گناه خود را زنده زنده دفن کنند.^۸

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۹۱.

۵. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۶۹.

۶. لویون، تمدن اسلام و عرب، ص ۵۱۳.

۷. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۰۶.

۸. نحل، ۵۸-۵۹.

۹. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۰۸.

ایشان در جایی دیگر علت زنده به گور کردن دختران را چنین بیان می نمایند: «یکی از بدبختی ها که گریبانگیر اولاد عرب بوده، این بود که به دست پدر خود کشته می شد، زیرا بلاد عرب خراب و اراضی آن خشک و بایر بود، زراعتی نداشتند و بیشتر اوقات مردمش گرفتار قحطی و گرانی می شدند به این جهت پدران از ترس تهی دستی، فرزندان خود را می کشتند! و دختران را زنده به گور می کردند و بدترین خبر و وحشت زاترین بشارت این بود که به او بگویند همسرت دختر آورده است.»^۹

علامه طبرسی نیز در این باره چنین بیان می نماید: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ: هنگامی که بیکی از آنها خبر می رسید که صاحب دختر شده است، رنگ صورتش به سیاهی می گرایید و بدینوسیله آثار خشم و نارضایی و اندوه، در سیمای آنها هویدا می شد و خشم و غم سراسر وجودشان را فرا می گرفت. جاهل، چنین مردمی که خود از داشتن دختر، چنین ناراحت بودند و در عین حال خداوند یکتا را صاحب دختر می پنداشتند! يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ: کسی که صاحب دختر شده بود، به خاطر شرمساری و سرافکندگی در برابر خبری که به او داده شده بود، از مردم مخفی می شد.

أُيْمَسِّكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ: پیش خود می اندیشید که با طفل مظلوم چه کند؟ آیا او را بخواری و مشقت، نگه دارد، یا زنده بگورش کند. عمل «واد» در میان جامعه عرب، عبارت بود از زنده بگور کردن دختران، از ترس اینکه مبادا دچار فقر شوند و بخواهند دختران را باشخاص غیر همشان خود دهند. أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ: بدانید که آنها بد قضاوت می کردند، زیرا برای خود چیزی قرار می دادند که پسند خاطرشان بود و برای خداوند چیزی قرار می دادند که مطلوب خودشان نبود. برخی گویند: بد قضاوت می کردند، زیرا دختران را زنده بگور می کردند، در حالی که آنها نیز همچون پسران حق حیات داشتند و شاید دختری بهتر از پسری بود»^{۱۰}.

به هر حال در تاریخ بشریت، عرب جاهلی برای نخستین بار به عمل ننگینی که از قساوت و سنگدلی خاصی حکایت می کند، دست زد و دختران خود را گاهی به بهانه ی قحطی و ترس از ننگی (ننگ پنداری و خیالی) که مبادا از ناحیه ی دختران به آنان برسد، زنده به گور می کردند و به چنین کار وحشیانه ای دست می زدند

جایگاه زن در اندیشه ی اسلام

با نزول برنامه ی جامع و مدون دین اسلام، نگرش ها نسبت به جایگاه زنان کم کم تغییر نمود. و از آن دیدگاه افراطی به سمت اعتدال پیش رفت؛ چرا که اسلام زنان را از آن جایگاه پست دوران جاهلیت خارج کرده و او را هم ردیف مردان قرار داد. در آیات مختلفی خداوند زنان را هم ردیف مردان قرار داده تا این حقیقت بیان شود که زنان نیز هم چون مردان دارای حقوق و جایگاه ارزشمند و مورد توجهی هستند. از جمله:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا: مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و

همان، ج ۴، ص ۲۴۲.

طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، صص ۲۷۹-۲۷۸.

احزاب، ۳۵.

مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبیا و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.»

و در آیات دیگری که دلیل برتری افراد را نه در مرد بودن، بلکه داشتن تقوا معرفی کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ:»^{۱۲} الی مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است.»

آیت الله جوادی آملی در این زمینه چنین بیان می نماید: «قرآن کریم اهتمام خاصی نسبت به شخصیت زن دارد، و علت آن این است که هر جا قرآن، در مورد چیزی خطری احساس کند، بیش از حد بر آن مسأله تکیه می کند و چون در ایام نزول قرآن، حرمت زن محفوظ نبود، بیش از توقع و انتظار به به مسأله ی حرمت زن تکیه می کند و در تمام شئون برای او سهمی قائل می شود، و به تساوی و مانند آن تصریح می کند.»^{۱۳}

علامه طباطبایی نیز در این باره چنین بیان می نماید: «زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده ی مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا شد، و از تحت ولایت و قیمومت مرد در آمد، و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه ی قدمت خود و در همه ی ادوارش، چنین مقامی به زن نداده بود، مقامی به زن داد که در هیچ گوشه از هیچ صفحه ی تاریخ گذشته ی بشر چنین مقامی برای زن نخواهد یافت.»^{۱۴}

خداوند متعال برای بالا بردن مقام زن و نشان دادن جایگاه شایسته ی وی، به همین مقدار اکتفا ننمود بلکه زنانی هم چون آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران را به عنوان الگوهای نیکو برای زنان و مردان شایسته معرفی نمود و این خود دلالت بر ارزش وجودی زنی را دارد که روزگاری به عنوان موجود درجه ی دوم محسوب می شد.

دقت و تأمل در زندگی معصومین (علیهم السلام) نیز گواه روشن دیگری بر این نگرش نسبت به زنان است. چرا که در زمانی که دختران را به بهانه های واهی، زنده به گور می کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ارزش و جایگاه زن را با تولد یگانه بانوی عالم حضرت فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) به همگان نشان دادند و خداوند نیز در تأیید این رفتار سوره ای را در شأن بی بدیل این بانوی بزرگوار نازل نمودند. سایر معصومین (علیهم السلام) نیز نهایت مهربانی و ارزشمندی را در رفتار با همسران خویش به کار برده اند و هیچ گونه رفتار تند و تحقیر آمیز از این بزرگواران علیه همسرانشان گزارش نشده است. از جمله امام حسن (علیه السلام) با اینکه توسط همسر خویش به شهادت رسیدند اما در واپسین لحظات عمر شریف خویش نهایت لطف و انصاف در حق او اظهار داشتند. و همه ی اینها مهر تأییدی بر جایگاه ارزشمند زن در دین اسلام دارد.

۱۲. حجرات، ۲۳.

۱۳. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص ۲۲۳.

۱۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۲، ص ۴۱۴.

علاوه بر سیره ی معصومین (علیهم السلام)، رهبران دینی جهان اسلام در قرن حاضر؛ امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری (دامت برکاته) نیز درباره ی جایگاه زنان به وفور صحبت نموده و این جایگاه ارزشمند را بیان نموده اند؛ که در اینجا به بیان دیدگاه و اندیشه ی هر یک از ایشان درباره ی جایگاه زن می پردازیم:

جایگاه زن در اندیشه ی امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری

امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری نیز به تأسی از قرآن و معصومین (علیهم السلام) برای زن ارزش و جایگاه والایی قائل هستند. به همین خاطر به بیان اندیشه ی گوهر بار ایشان درباره ی برخی از جایگاه های زنان در جامعه ی اسلامی می پردازیم:

۱. زن نمونه ی یک الگوی والای انسانی

امام خمینی (رحمه الله علیه) زانی هم چون فاطمه ی زهرا، حضرت خدیجه، حضرت زینب و حضرت مریم (سلام الله علیهن) را در عین زن بودن، نمونه ی کامل انسانی معرفی می نماید و سایر بانوان را به تأسی از این بزرگواران دعوت می نماید. ایشان در توصیف شخصیت والای حضرت زهرا (علیها السلام) یگانه بانوی دو عالم چنین بیان می نمایند: «تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا سلام الله علیها - جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه ی انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. او زن معمولی نیست؛ او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. تمام هویت های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد - تمام - در این زن است. زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود. معنویات، جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه های ملکی و ناسوتی - همه - در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان؛ زنی است به تمام معنا زن. از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنان چه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه ی زن است و نازلترین مرتبه ی مرد است؛ لکن از همین مرتبه ی نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه ی طبیعت تا مرتبه ی غیب، تا فنا در الوهیت. برای صدیقه ی طاهره این مسائل، این معانی حاصل است. از مرتبه طبیعت شروع کرده است، حرکت کرده است؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - مراحل راطی کرده است؛ تارسیده است به مرتبه ای که دست همه از او کوتاه است.»^{۱۵}

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می نمایند: «زن اسلامی عبارت است از آن موجودی که دارای ایمان است، دارای عفاف است، متصدی مهم ترین بخش تربیت انسان است؛ اثرگذار در اجتماع است. دارای رشد علمی و معنوی است. مدیر کانون بسیار مهم خانواده است، مایه ی آرامش جنس مرد است. همه ی اینها در کنار خصوصیات زنانگیف مثل لطافت، مثل رقت قلب، مثل آمادگی دریافت انوار الهی، این الگوی زن مسلمان است؛ همین خصوصیتی که پیغمبر اکرم (صلی

۱۵. موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۳۷.

الله علیه و آله و سلم) در بیانات متعدد به مناسبت تمجید از فاطمه ی زهرا یا خدیجه کبری (سلام الله علیهما) یا به نحو کلی درباره ی زن بیان کرده است؛ این الگوی اسلامی است.^{۱۶}

ایشان در جایی دیگر چنین بیان می نمایند: «خدای متعال مرد را و زن را از جهاتی مثل هم قرار داده است؛ از لحاظ عروج به مقامات معنوی با هم تفاوتی ندارند، نمونه اش فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)؛ از لحاظ قدرت رهبری با هم تفاوتی ندارند، نمونه اش فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)؛ از لحاظ توانایی هدایت بشر تفاوتی ندارند، نمونه اش فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)؛ اما از لحاظ وظایف اداری زندگی تفاوت دارند، باز نمونه اش فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها)»^{۱۷}

۲. زن در اوج کرامت و شخصیت

امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره ی مقام و کرامتی که اسلام به زنان بعد از دوران جاهلیت بخشیده است چنین بیان می نمایند: «اسلام زن ها را نجات داده است، از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می داند به مرد خدمت نکرده، آنقدر که به زن خدمت کرده. شما نمی دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده. اسلام به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچو سابقه ای ندارد. اسلام زن را از توی لجنزارها برداشته آورده، شخصیت به او داده.^{۱۸} اسلام زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله ی جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات، بلکه پایین تر از او می شمردند. زن در جاهلیت مظلوم بود، اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید؛ اما می خواهیم زن، به مقام والای انسانیت خودش باشد نه مَلْعَبَه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. اسلام در وقتی ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند، اسلام آنها را سر بلند و سرافراز کردف اسلام آنها را با مردان مساوی کرد، عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد.»^{۲۱}

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می نمایند: «تا آفتاب درخشان خدیجه ی کبری (علیها السلام) و فاطمه ی زهرا (علیها السلام) و زینب کبری (علیها السلام) می درخشد، طرحهای کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید. و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را در هم شکسته اند؛ بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده

. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان اهل البیت (علیهم السلام) به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)؛

khamenei.ir تاریخ انتشار ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، تاریخ بازبینی ۲۰ بهمن ۱۳۹۹، سایت

. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان اهل البیت (علیهم السلام) به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)، تاریخ

انتشار ۲۹ اسفند ۱۳۹۵، تاریخ بازبینی همان.

. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۲۷

. همان، ص ۴۹.

. همان، ص ۲۸.

. همان، ص ۳۱.

و نشان داده‌اند که حق کرامت الاهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است.»^{۲۲}

ایشان در جایی دیگر چنین بیان می‌نمایند: «اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده ای بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کآنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شئون مختلف. زینب کبری نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ این‌ها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی‌های القاء شده‌ی به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ این‌ها باهم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده- که حوضچه‌ی آرامش زندگی پُرچالش و پُر تلاش هر انسانی است- به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هرکدام یک‌فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.»^{۲۳}

۳. زن مبدأ سعادت و آرامش

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره چنین بیان می‌نمایند: «نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است، صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به عکس آن باشد.^{۲۴} زن مریب جامعه است از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند؛ مرحله‌ی اول مرد و زن صحیح از دامن زن است، مریب انسانها زن است سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودت کشور را آزاد می‌کند مبدأ همه‌ی سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود زن مبدأ همه‌ی سعادت‌ها باید باشد.^{۲۵} زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند، قرآن کریم انسان ساز است و زن‌ها نیز انسان ساز؛ وظیفه‌ی زنها انسان سازی است. اگر زن‌های انسان ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحل خواهند شد.»^{۲۶}

۲۲. پیام مقام معظم رهبری به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، تاریخ انتشار ۱۶ اسفند ۱۳۹۱، تاریخ بازبینی ۲۵ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۲۲.

۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان، تاریخ انتشار ۵ مرداد ۱۳۸۴، تاریخ بازبینی ۲۲ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۲۴.

۲۴. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۴۱.

همان، صص ۳۰-۲۹.

همان، ص ۴۰.

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می نمایند: «همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می شود، پایهی بهشتی شدنش از مادر است.»^{۲۷}

ایشان در جای دیگر چنین بیان می نمایند: «زن در خانه مایهی آرامش است؛ مایهی آرامش مرد، و مایهی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی تواند کدبانو باشد؛ نمی تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی که زن، مدیر خانواده است. این مسئلهی اصلی است. این یکی از آن اصلی ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما - چه محیط های قدیمی ما، چه محیط های جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد.

تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجهی دویی [است] که موظّف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی ها هست - حالا بعضی ها به زبان می آورند، به رو می آورند، بعضی ها هم به رو نمی آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطهی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. من مکرّر عرض کرده ام این حدیث معروف را که «الْمَرْأَةُ رِبْحَانَةٌ وَ كَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ قهرمان، در تعبیرات رایج عربی، به آن کارگزار میگویند؛ در این حدیث می گوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جور نیست. خب ببینید، این خودش یک فصلی است که از آن چندین فصل گشوده میشود: مسئلهی احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادلهی با پول؛ این است. اینها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته ای است.

بنابراین مسئلهی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئلهی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئلهی خانه و خانواده است: امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه داری برای بروز استعدادها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است.^{۲۸}

۴. تساوی حقوق زن با مرد

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره چنین بیان می نمایند: «همان طوری که حقوق مردها در اسلام مطرح است حقوق زن ها هم مطرح است. اسلام به زن ها بیشتر عنایت کرده است تا به مردها. اسلام زن ها را بیشتر حقوق شان را ملاحظه کرده است تا مردها. زن ها حق رای دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند، تمام معاملات شان به اختیار خودشان است و آزاد هستند اختیار شغل را آزاد هستند.^{۲۹} از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا که هر دو

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان، تاریخ بازمینی ۵ مرداد ۱۳۸۴، تاریخ بازمینی ۲۳ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۲۷.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، تاریخ انتشار ۳۰ فروردین ۱۳۹۳، تاریخ بازمینی ۱۹ بهمن ۱۳۹۹؛^{۲۸}

همان.

. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۴۴.^{۲۹}

انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت پیش را هم چون مرد دارد بلکه در بعضی از موارد تفاوت هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد مسائلی که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد آزاد است.^{۳۰}

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می نمایند: «ما برای زن ارزش واقعی انسانی قائلیم، معتقدیم زن و مرد هر دو انسان اند، و میدان تکامل رویشان باز است، هرچه تلاش کنند هر چه زحمت بکشند، و هر چه به سمت خدا پیش روند به همان اندازه رشد و تکامل پیدا خواهند کرد.»^{۳۱}

ایشان در جایی دیگر درباره ی حقوق زنان چنین بیان می نمایند: «نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهم تر به نظر می رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هرکس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هرکدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه ی خودشان است. آن ها اگر از خلقیات ویژه ی خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می دهند. اگر مرد زیاده روی کرد، تعادل به هم می خورد. اگر زن هم زیاده روی کرد، تعادل به هم می خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه ی یک در، دو چشم در چهره ی انسان، دو سنگرنشین در جبهه ی نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هرکدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه ی خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده ای ماندگار و مهربان و بابرکت و پرفایده خواهند داشت.»^{۳۲}

و در جایی دیگر چنین بیان می نمایند: «نظر اسلام در مورد زندگی انسان و شأن زنان، در سه بخش قابل تقسیم است. من بارها این مطالب را بیان کرده ام؛ اما اصرار دارم که هرچه بیشتر این مطلب مهم در مورد بانوان کشور مطرح شود. آن کسی که بیشتر باید در این مورد فعال باشد، خود زنان جامعه ی ما هستند. خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی هایی صورت می گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است؛ چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه ی اول خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، در باره ی آن ها چه قضاوتی دارد، از آن ها چه می خواهد، مسئولیت آن ها را چه چیزی معین می کند و از آنچه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند. اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند؛ کمالینکه امروز در دنیای غرب و در زیر سایه ی نظام های مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن می دهند، بیشترین ظلم را مردان غربی به زنان می کنند؛ پدر به دخترش، برادر به خواهرش، شوهر به زنش. بیشترین ستم و تعرض و تعدی نسبت به زنان و همسران و خواهران و یا حتی دخترانشان - طبق آمارهایی که در دنیا هست - از سوی مردانی است که در نظام های غربی زندگی می کنند. یعنی اگر در نظامی ارزش های معنوی حاکم نباشد، خدا در دلها نباشد، مرد با تکیه بر قدرت جسمانی، راه خود را برای ظلم و تعدی به زن باز می بیند.

همان، ص ۳۶.

سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، تاریخ انتشار ۱۵ آذر ۱۳۶۸، تاریخ بازبینی همان.^{۳۱}

. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع زنان شهر ارومیه، تاریخ انتشار ۲۸ شهریور ۱۳۷۵، همان.^{۳۲}

چیزی که مانع است، دو چیز است: یکی ملاحظه‌ی خدا و قانون و ایمان و امثال این‌ها، و یکی هم خود زن که حقوق انسانی و الهی خود را درست بشناسد و از آن دفاع کند و خود را به معنای حقیقی کلمه بطلبد. در این مورد، اسلام یک حدّ میانه و بدون افراط و تفریط را ارائه می‌دهد. نه به زن اجازه‌ی ظلم کردن می‌دهد و نه طبیعت زن و مرد را نادیده می‌گیرد. خطّ مستقیم و صراط مستقیم، همان خطّ اسلامی است که من به صورت کوتاه آن را تشریح می‌کنم.

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می‌تواند به عالی‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی بن ابی طالب علیه‌السلام برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها برسد.^{۳۳}

۵. نقش فعال سیاسی و اجتماعی زن در جامعه

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره چنین بیان می‌نماید: «در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شعر نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند اسلام با هر چیزی که انسان را پوچی و از خود بیگانه شدن می‌کشانند مبارزه می‌کند. زنان از نظر اسلام نقش اساسی در بنای جامعه اسلامی دارند اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی را به عهده بگیرد اگر خانم‌ها خیال کنند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند این خیال، خیال صحیحی نیست برای این که کارها اینقدر آشفته است گرفتاری‌ها اینقدر زیاد است که هر شخصی در هر محلی است تکلیفی که دارد این است که آنجا را خوب بسازد خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند تکلیف‌شان است. دین اسلام یک دین سیاسی است، دینی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش.»^{۳۴}

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه چنین بیان می‌نماید: «در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند که تقریباً همه‌اش هم دروغ است تا دهه‌های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود! در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «اذا جاءك المؤمنات يبایعنك علی ان لا یشركن بالله». زنها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام فرمود: که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آن‌ها، هرچه که آن‌ها رأی دادند، هرچه که آن‌ها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زنها هم بیعت می‌کنند؛ آن‌ها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غربی‌ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را می‌کنند! در زمینه‌ی مالکیت نیز همین‌طور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.»^{۳۵}

۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زنان خوزستان، تاریخ انتشار ۲۰ اسفند ۱۳۷۵، تاریخ بازبینی ۲۶ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۳.

۳۴. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۴۰-۴۸.

۳۵. سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان، تاریخ انتشار ۳۰ شهریور ۱۳۷۹، همان: ۳.

ایشان در جایی دیگر چنین بیان می نمایند: «زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت هایشان اجازه می دهد، می توانند در فعالیت ها شرکت کنند. آنها هر چه می توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند.»^{۳۶}

۶. فعالیت زن در عرصه ی تعلیم و تربیت

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه چنین بیان می نمایند: «امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند بانوان مشغول هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند و خودشان . مشغول تربیت و تعلیم هستند و این یک امر این است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد آن وقت هم . محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجموعه ده نفری وارد به شوند و مسئله ی علمی بگویند یا مسئله ی عقیدتی بگویند امروز این ها می توانند با همه ی حفظ جهات اسلام در همه جای کشور تبلیغات بکنند بلکه در خارج از کشور هم ما بسیار عقب افتاده بودیم در این امور و امروز باید نقیصه ها را رفع کنیم حالا طوری شده است که خانم ها هم دوش با سایر برادران در تحصیل علم و عرفان و فلسفه و تمام شعب علم و انشاءالله صنعت فعالیت می کنند و شما امروز موجب افتخار هستید که همان طوری که برادران شما در حوزه ها مشغول تحصیل و تدریس و سایر کارهای اسلامی هستند شما ها هم با آنها هستید و امیدوارم فعال تر باشید و البته باید شما توجه بکنید و عکس عمل آن چیزی که در رژیم سابق گذشت شما عمل کنید آنها اخلاق اسلامی را می خواستند ببرند و به جای او اخلاق اروپایی بنشانند شما عکس عمل او را بکنید. بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می توانند حتی در فعالیت های اجتماعی و سیاسی خدمت های ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه ی بزرگوار بانوان پیشتاز باشند.»^{۳۷}

مقام معظم رهبری در این باره چنین بیان می نمایند: «من نمی پسندم که خانواده ای به جوانان خود، امکان تحصیلات ندهد؛ در حالیکه نظام جمهوری اسلامی، امکان تحصیلات را به خانواده ها و به جوانان داده است. من نمی پسندم که براساس رسوم غلط، اجازه ندهند که دختران درس بخوانند. دختران هم باید درس بخوانند؛ استعدادهای بزرگی در میان آنها وجود دارد.»^{۳۸} من به خانواده ها توصیه می کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالی نگیرد؛ نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالی می کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، میشود اینها را فهمید.»^{۳۹}

اگر جامعه ی ما به آنجا برسد که در آن تعداد زیادی بانوان با معرفت اسلامی به صورت عمیق و عالمانه آشنا باشند، این خیلی برای جامعه ی ما پیشرفت بزرگی است یا در میان بانوان تعداد قابل توجهی مجتهدات وجود داشته باشد، یعنی بانوانی که قدرت بر استنباط احکام و معارف الهی را دارند. از متون اسلامی خیلی پدیده پرارزشی است، بسیار چیز مهمی است، اگر کسانی در جامعه ی ما باشند که بتوانند بانوانی در جامعه باشند که بتوانند نسل جوان دختران را در دانشگاهها، در دبیرستانها،

۳۶. بیانات مقام معظم رهبری در جمع زنان شهر ارومیه، تاریخ انتشار ۲۸ شهریور ۱۳۷۵، تاریخ بازبینی ۲۳ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۳۶.

۳۷. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، خلاصه صص ۴۶-۵۴.

۳۸. بیانات مقام معظم رهبری، تاریخ انتشار ۹ فروردین ۱۳۷۸، تاریخ بازبینی ۲۷ بهمن ۱۳۹۹، همان: ۳۸.

۳۹. بیانات مقام معظم رهبری، تاریخ انتشار ۲۸ شهریور ۱۳۷۵، تاریخ بازبینی همان: ۳۹.

در همه ی زوایای اجتماع در معرض تبلیغات دینی خودشان قرار بدهند، این چیز بسیار بدیعی خواهد شد. این چیزی است که در سطح وسیع هرگز وجود نداشته است در طول تاریخ ما.^{۴۰}

واقعاً این یکی از بزرگ ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه ی نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ی ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه ی افتخار است... تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش فکر یکی از بزرگ ترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه میکنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته های بانوان ما است، که این واقعاً مایه ی افتخار است. در تاریخ ما بی سابقه است؛ ما دوره های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این همه انسان برجسته ی در زمینه های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی - نداشتیم.^{۴۱}

۷. زن مهم ترین عامل تربیت بشر

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه چنین بیان می نمایند: «شما خانم ها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید مدرسه ای که بچه دارد دامن مادر است مادر خوب و چه خوب تربیت می کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه از همان توی دامن مادر منحرف بیرون می آید و چون بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچکس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام آرزوهایی که دارند خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه ها اثر دارد لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه ی مهذب باشد. بچه از همین اول که دارد رشد می کند با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می کند و بچه وقتی در دامن مادرش هست می بیند مادر اخلاق خوش دارد اعمال صحیح دارد گفتار خوش دارد این بچه از همانجا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه ی تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه ی تزریقها موثرتر است تربیت می شود.»^{۴۲}

ایشان در جای دیگر چنین بیان می نمایند: «شما مسئولید که در دامن های خودتان اولاد متقی بار بیاورید تربیت کنید به جامعه تحویل دهید همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم لین در دامن شما بهتر تربیت می شوند دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. شغل تربیت فرزند از همه ی شغلها بالاتر است. فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید برای شما بهتر است از همه ی عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم پس شما یک شغل تان این است که بچه های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامن امنی است که انسان از آن باید درست شود یعنی اول مرتبه ی تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه ی بچه به مادر بیشتر از همه ی علایق است و هیچ

۴۰. بیانات مقام معظم رهبریف تاریخ انتشار ۱۶ آذر ۱۳۷۴، تاریخ بازبینی همان:۴۰.

۴۱. بیانات مقام معظم رهبری، تاریخ انتشار ۳۰ فروردین ۱۳۹۳، تاریخ بازبینی همان:۴۱.

۴۲. موسوی خمینی، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۲۰۲.

علاقه‌ای بالاتر از علاقه ی مادری و فرزندى نیست بچه ها از مادر بهتر مسائل را اخذ می‌کنند آنقدری که تحت تاثیر مادر هستند تحت تاثیر پدر، معلم و استاد نیستند.^{۴۳}

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می‌نماید: «از همه‌ی کارهای زن مهمتر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان های بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیشترین هنر را نشان داده است.»^{۴۴}

۸. بهشت در زیر قدم زن

امام خمینی (رحمه الله علیه) در این زمینه چنین بیان می‌نماید: «حقوق بسیاری از مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شبِ مادر نسبت به فرزندش از سالها عمر پدرم تعهد ارزنده تر است تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر با رقه ی رحمت و عطف رب العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته آنگونه، که وصف آن را کس نتواند کرد و به شناخت کسی جز مادران در نیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحملی چون عرش در مقابل رنج ها و زحمت ها از حال استقرار نطفه ی در رحم و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر مرحمت فرموده، رنج هایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند. این که در حدیث آمده است بهشت زیر قدمهای مادران است یک حقیقت است و اینکه با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هوشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگه دارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید.»^{۴۵}

مقام معظم رهبری نیز در این باره چنین بیان می‌نماید: «پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من ابر؟» (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «امک.» یعنی «به مادرت.» دفعه‌ی دوم هم همین را فرمود؛ دفعه‌ی سوم هم همین را فرمود. دفعه چهارم که سؤال کرد، فرمود: «اباک.» یعنی «به پدرت.» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه‌ی با فرزندان، حق سنگین تری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد. بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل می‌کنند. این هم عدل الهی است. زحمت بیشتر است؛ پس حق هم بیشتر است. ناراحتی بیشتری تحمل می‌کند؛ پس ارزشش بالاتر است. همه‌ی این‌ها از روی عدالت است. در مسائل مالی، مثل حق خانواده و حق سرپرستی خانواده در مقابل وظیفه‌ی اداره‌ی خانواده، روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامی، در این چیزها هم نگذاشته است که ذره‌ای به زن یا به مرد ظلم شود. حقی برای مرد و حقی هم برای زن قرار داده است. یک وزنه در کفه‌ی مرد قرار داده و یک وزنه هم در کفه‌ی زن قرار داده است. کسانی که اهل مذاقه در این امور هستند، اگر دقت کنند، این‌ها را می‌بینند. در کتاب‌ها هم نوشته‌اند. امروز خانم‌های اندیشمند و فاضل ما، بحمد الله این مسائل را بهتر از دیگران و بهتر از مردان می‌دانند و تبلیغ و بیان می‌کنند.»^{۴۶}

همان، صص ۹۸-۹۷.

. بیانات مقام معظم رهبری در جمه زنان استان خوزستان، تاریخ انتشار ۲۰ اسفند ۱۳۷۵، تاریخ بازبینی ۲۸ بهمن ۱۳۹۹، همان.^{۴۴}

. موسوی خمینی، همان، صص ۱۰۰-۹۹.

. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران، تاریخ انتشار ۲۰ مهر ۱۳۷۰، تاریخ بازبینی ۲۰ بهمن ۱۳۹۹، همان.^{۴۵}

نتیجه گیری

عنوان این تحقیق «جایگاه زن در اندیشه ی امام خمینی و مقام معظم رهبری» است. محقق در این تحقیق ابتدا به بیان جایگاه زنان در اندیشه ی جاهلیت قبل از اسلام، جایگاه زنان در اندیشه ی اسلام از دیدگاه قرآن و عترت اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه زنان در اندیشه ی رهبران انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله) و مقام معظم رهبری در چندین بُعد پرداخته است. زن در فرهنگ جاهلی قبل از اسلام موجودی درجه دوم محسوب می شد و زیر بار انواع ستم ها و ظلم ها له شده بود و بسیاری از دختران بعد از تولد به بهانه های واهی ترس از فقر و بی آبرویی به دست پدران خود زنده به گور می شدند؛ پس از هیچ گونه ارزش و جایگاهی برخوردار نبودند. اما با نزول دین اسلام و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در برخورد با زنان و دختر خویش حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به زنان ارزش و مقام واقعی آنها را در دین اسلام نشان داد. رهبران انقلاب اسلامی نیز به پیروی از روش قرآن و سیره ی معصومین (علیهم السلام) جایگاه حقیقی زنان را بیان نموده اند. ایشان زنان مقدس و بزرگواری چون حضرت زهرا، حضرت خدیجه کبری، حضرت زینب و حضرت مریم (سلام الله علیهن) را به عنوان یک الگوی کامل و والای انسانی معرفی نموده اند که می توانند برای تمامی افراد بشر به عنوان الگو قرار بگیرند. هم چنین زن را موجودی صاحب کرامت و ارزش حقیقی در اسلام معرفی نموده و او را مبدأ سعادت جوامع بشری و مایه ی آرامش خانواده دانسته اند. و زنان را در حقوق خود برخوردار از حقوقی مساوی با مردان می دانند که بنا بر شخصیت و مصالح خود وی شکل گرفت است. یک زن می تواند در عین مادر بودن و همسر بودن به فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متناسب با شخصیت خویش بپردازد و در زمینه تعلیم و تعلم حضور مثرثمری داشته باشد. علاوه بر اینها یک زن به عنوان اولین معلم فرزندان خویش می تواند بهترین مربی برای تربیت کودک خویش باشد و در دامن خویش اولادی باتقوا را تربیت و به جامعه عرضه کند. و همین شخصیت والا بی بدیل زنان و مادران است که بهشت را در زیر پاهای مقدس آنان قرار داده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم .

جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۵.

موسوی خمینی روح الله، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، بی تا.

-----، صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.

منابع عربی

بخاری، محمدبن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بی جا: دارالفکر، ۱۳۹۹ه.ق.

ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت: درصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بی جا: منشورات اسماعیلیان، بی تا.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بیستونی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، بی تا.

کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷.

منابع لاتین

لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، فخر داعی گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعاتی علی اکبر العلمی، چاپ چهارم، ۱۳۴۴.

منابع اینترنتی

Khamenei.ir

